

## رقابت ایران و روسیه در زمینه تأمین انرژی جهانی:

### نگاهی بر دوره پساتحریم

جواد ابراهیم پور<sup>۱</sup>

#### چکیده

علیرغم افزایش همکاری‌های ایران و روسیه در اکثر زمینه‌ها بعد از دوره فروپاشی شوروی، الگوی روابط این دو کشور در زمینه تأمین انرژی جهانی متأثر از وضعیت طبیعی و استراتژیک در قالب رقابت توصیف می‌گردد. این امر بویژه بعد از رفع تحریم‌ها و توافق با قدرتهای بزرگ به نظر می‌رسد روند افزایشی نیز به خود گیرد. این مقاله درصدد بررسی زمینه‌های رقابت دو کشور در حوزه انرژی و تأثیر نتایج مثبت مذاکرات بر آن است. همچنین نشان داده شده است که بهبود روابط با غرب و تنش‌زدایی مسأله هسته‌ای، ایران را بعنوان یکی از رقبای جدی عرصه نفت و گاز و انرژی هسته‌ای مطرح خواهد نمود. این تحولات علاوه بر بازگشت ایران به جایگاه مهم انرژی منطقه و جهان، موقعیت ویژه روسیه در صادرات انرژی بویژه گاز طبیعی و سوخت هسته‌ای را نیز به چالش خواهد کشید. با توجه به ماهیت بحث مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، درصدد توضیح این مسأله است که تحولات دوره پساتحریم علاوه بر افزایش فعالیت ایران در زمینه تولید و تأمین انرژی جهانی موجب شکل‌گیری زمینه‌های رقابت با روسیه در حوزه انرژی خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** ایران، تأمین انرژی، دوره پساتحریم، رقابت، روسیه.

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

## مقدمه

غیرقابل اجتنابی در حال شکل‌گیری است. ایران که بدلیل شرایط نظام بین‌الملل و الزامات آن تأمین منافع خود را در نزدیکی با روسیه دنبال نموده است و بازار انحصاری بی‌رقیبی را برای روسیه در زمینه فناوری‌های نظامی و تبادلات اقتصادی و سرمایه‌گذاری فراهم ساخته است، بدنال برون‌رفت از این شرایط تحریم‌های بین‌المللی و اعاده موقعیت از دست رفته خود است. این امر را از طریق امید به نتایج مذاکرات هسته‌ای و اتخاذ راهبرد انرژی جدیدی دنبال می‌نماید که در صورت تحقق خواسته‌های خود می‌تواند نقش موثری در بازار انرژی جهان اعم از نفت، گاز و سوخت هسته‌ای ایفا نماید. سوال اساسی نوشتار به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که آیا بعد از رفع تحریم‌ها و عادی‌سازی روابط با دولت‌های غربی و بدنبال آن افزایش فعالیت ایران در زمینه تأمین انرژی جهانی موجب شکل‌گیری زمینه‌های رقابت با روسیه خواهد شد؟ جهت پاسخ به این سوال زمینه‌های رقابت دو کشور در سه حوزه بررسی خواهد شد.

## نقش و موقعیت ایران و روسیه در تأمین انرژی

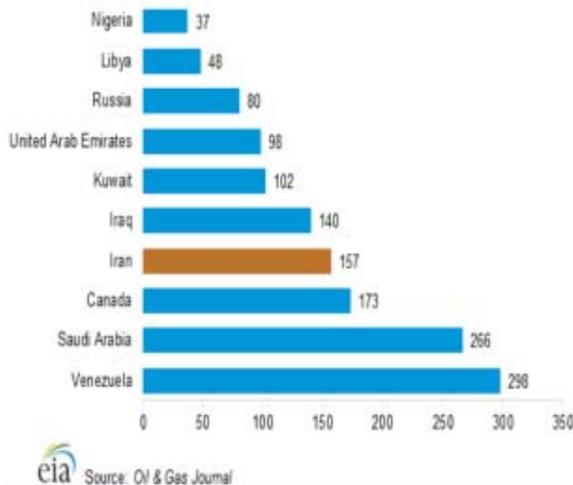
### جهانی

از لحاظ جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران در نقطه اتصال منابع عظیم نفت و گاز حوزه دریای خزر در شمال و حوزه خلیج فارس در جنوب واقع شده است. ایران با دارا بودن ذخایر نفتی اثبات شده بالغ بر ۱۵۷ میلیارد بشکه دارای رتبه چهارم و ۱۱۹۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی رتبه دوم در جهان را داراست (IEA Report Iran, 2014: 2). همچنین در زمینه تولید نفت رتبه دهم و در زمینه تولید

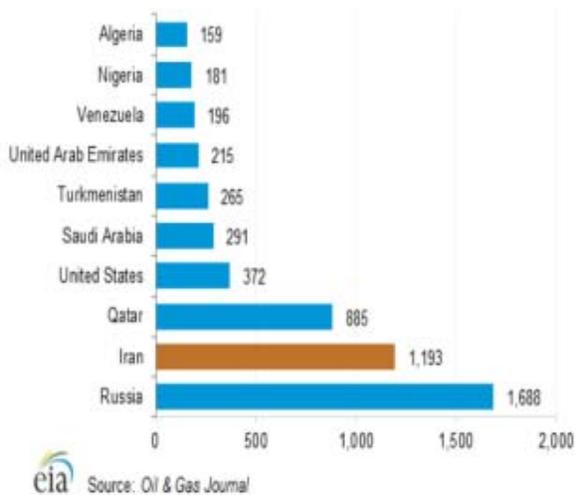
بدون شک طی دهه‌های گذشته انرژی و تأمین آن بعنوان یک کالای استراتژیک، محور اقدامات و رفتار دولت‌ها در روابط و محافل بین‌الملل بوده است. اهمیت آن در عرصه بین‌الملل بدان حد است که برخی کارشناسان موضوع انرژی را پس از امنیت و اقتصاد به عنوان حوزه سوم روابط بین‌الملل شناسایی کرده‌اند (دلیکر، ۱۳۹۰: ۲۴۱). با وجود بهره‌گیری بشدت فزاینده انرژی‌های تجدیدپذیر از قبیل انرژی خورشیدی در بین کشورهای جهان، همچنان انرژی‌های فسیلی نفت و گاز جایگاه ویژه‌ای در تأمین انرژی مورد نیاز جهانی دارند. تداوم عرضه و تأمین امنیت خطوط انتقال آن همیشه زمینه‌ساز بروز جنگ‌ها، دخالت در امور داخلی کشور، انقلاب‌ها و سایر تحولات بین‌المللی دیگر بوده است. علاوه بر این بسترهای سیاست خارجی کشورهای عرضه‌کننده و مصرف‌کننده متأثر از عامل انرژی تنظیم‌گشته است. بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل بویژه ایالات متحده، اتحادیه اروپا و روسیه در حفظ جریان و تنظیم سیاست‌های جهانی آن نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند. در منطقه اوراسیا بر خلاف وجود همگرایی و اشتراک منافع ایران و روسیه در ملاحظات سیاست خارجی و سیاست‌های منطقه‌ای، دو کشور دارای زمینه‌های واگرایی نیز هستند که یک مورد آن بحث حضور نیروهای نظامی در دریای خزر می‌باشد که ایران خواهان غیرنظامی شدن دریاست اما روسیه بدنبال افزایش و تقویت نیروی نظامی خود در این دریا است (عطایی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). اما به نظر می‌رسد در حوزه واگرایی منافع دو کشور، زمینه رقابت بسیار پررنگ‌تر از دیگر زمینه‌ها است که بصورت طبیعی و

مثل گاز، نفت، انرژی، زیرساخت‌های حمل و نقل، بخش هسته‌ای و حوزه مبارزه با تروریسم. همچنین مطابق با مفهوم «ابر دولت انرژی»<sup>۱</sup> پیگیری منافع اقتصادی ملی خود را به سود بردن از انرژی فراوان، خطوط لوله و منابع هسته‌ای در جهت تولید ثروت تشویق می‌نماید.

جدول شماره (۱) میزان ذخایر نفت کشورهای جهان تا سال ۲۰۱۴ (میلیارد بشکه)



جدول شماره (۲) میزان ذخایر گاز طبیعی کشورهای جهان تا سال ۲۰۱۴ (میلیارد متر مکعب)



گاز طبیعی رتبه پنجم جهان را داراست. روسیه عضو اوپک نیست و به این ترتیب از دو منظر سود می‌برد؛ یکی اینکه محدود به سقف تولید معینی نیست و دیگر اینکه از ثبات قیمت تعیین شده اوپک ذی نفع می‌باشد اما ایران مقید به رعایت سقف تولید اوپک است و برای تولید بیشتر دچار مشکلات فنی و تکنیکی است (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

تولید نفت ایران طی چند سال گذشته بطور محسوسه کاهش یافته است که بیشتر بدلیل تأثیرپذیری از تحریم‌های اعمالی از جانب کشورهای غربی و سازمان ملل بوده است. ایران با انجام اقدامات مختلف از قبیل سوآپ انرژی با کشورهای همسایه شمالی و شرکت در مذاکرات هسته‌ای درصدد رسیدن به توافق جامع برای جبران کسری درآمد خود و کسب موقعیت از دست رفته خود در اوپک و بازار انرژی جهانی است. روسیه نیز با دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز بعنوان تأمین کننده اصلی انرژی اتحادیه اروپا و مسیر مواصلاتی بلامنازع منابع دریای خزر به اروپا شناخته می‌شود. ذخایر نفتی اثبات شده این کشور بالغ بر ۸۰ میلیارد بشکه و ذخایر گاز طبیعی بالغ بر ۱۶۸۸ میلیارد متر مکعب است که به ترتیب رتبه هشتم و رتبه اول در ذخایر نفت و گاز جهان را دارد. اما به لحاظ تولید نفت در رتبه سوم و تولید گاز طبیعی در رتبه دوم جهان قرار دارد (IEA Report Russia, 2014: 1). این کشور در سیاست خارجی خود یک رویکرد ترکیبی و کارکردی را توسعه داده است که ادعاهای قدرت بزرگ را بر حوزه‌هایی از سیاست جهانی پیش می‌برد که یک برتری نسبی در آنها دارد؛ حوزه‌هایی

<sup>۱</sup> Energy Super State

۲۰۳۰ خواهد بود (Stokes, 2007: 9-11). همه این تحولات در آینده می‌تواند بر ماهیت رقابت بین ایران و روسیه تأثیرگذار باشد.

### بهبود روابط ایران با غرب و رفع تحریم‌ها

سابقه تحریم علیه صنعت نفت ایران به دوران ملی شدن صنعت نفت در دوران مصدق باز می‌گردد، بعد از انقلاب نیز روندی افزایشی داشته است. این روند بعد از تصویب قانون داماتو در کنگره آمریکا در راستای سیاست مهار دوگانه کلید خورد. بر اساس این قانون کلیه کشورها و شرکت‌هایی که میزان مبلغ سرمایه‌گذاری بالای ۲۰ میلیون دلار در بخش نفت و گاز ایران داشته باشند را مورد مجازات قرار خواهد داد. اما این افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۵ و سیاسی شدن آن در سطح محافل بین‌المللی بود که موجب اعمال تحریم‌های شدید بر صنعت نفت و گاز ایران گردید. این سیر تحریم‌ها میزان تولید نفت ایران در دهه‌های اخیر را کاهش داده و موجب کندشدن روند رو به رشد تولید گاز طبیعی در ایران شده است.

همچنین تحریم‌ها، توسعه در بخش‌های انرژی بویژه سرمایه‌گذاری در بخش‌های بالادستی پروژه نفت و گاز را تحت تأثیر قرار داده است؛ بگونه‌ای که باعث فسخ قرارداد و تأخیر در تکمیل پروژه‌های بالادستی صنایع انرژی شده است. اما تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ بمراتب بیشتر از مجموع کل تحریم‌های قبلی صنعت نفت و گاز ایران را تحت تأثیر قرار داده است. کاهش تولید ناشی از تحریم‌ها منجر به کاهش سطح درآمد ملی ایران گردیده است. طبق برآورد صندوق

با وجود اینکه روسیه هشتمین کشور دارای ذخایر نفتی است، با تولید بیشتر رتبه دومین تولیدکننده بزرگ نفتی را به خود اختصاص داده است. روسیه فقط در مقایسه با ایران بعنوان دومین دارنده ذخایر گازی، دارای ذخایری در حدود دو برابر این کشور است. بنابراین موقعیت روسیه بعنوان عرضه‌کننده بزرگ انرژی نه تنها دارای اهمیت برای سیاست خارجی آن کشور است بلکه ارتباط آن با کشورهای عمده مصرف‌کننده انرژی نیز دارای اهمیت است (Myers Jaffe, 2009: 7). آمارهای فوق حاکی از آن هستند که این دو کشور با برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز دو شریک منطقه‌ای و رقیب بزرگ در سطح عرصه جهانی انرژی محسوب می‌شوند. هرچند این رقابت بدلیل تأثیرپذیری از عامل سیاست در روابط بین‌الملل و نوع روابط دو کشور تاکنون ظهور اساسی نداشته است اما این عامل نمی‌تواند منکر ماهیت طبیعی و ذاتی وجود زمینه‌های رقابت بین دو کشور در عرصه انرژی باشد.

با این وجود بخاطر کشف منابع جدید نفت و گاز در آمریکای شمالی و افت قیمت شدید نفت در اواخر سال ۲۰۱۴ و اوایل ۲۰۱۵ میلادی، نقشه انرژی جهان و تحولات ناشی از آن بطور اساسی دچار تحول گشته است؛ بویژه اینکه این تحول با افزایش تقاضای انرژی در آسیا و خاورمیانه و قطع عرضه برخی تولیدکنندگان از قبیل ایران بدلیل تحریم‌ها، عراق و لیبی بدلیل جنگ داخلی همراه بوده است. آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی نموده است که در آینده منطقه خاورمیانه بزرگترین مصرف‌کننده انرژی جهان باشد. عبارتی خاورمیانه دومین مصرف‌کننده گاز تا سال ۲۰۲۰ و سومین مصرف‌کننده نفت تا سال



روند کند اتمام نیروگاه اتمی بوشهر به خوبی موید این سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران است (کولایی (الف) ۱۳۹۱: ۴۲۸). هرچند روسیه به همراه چین مایل به قرار دادن ایران در وضعیت تحریم نبودند ولی فشار آمریکا بسیار سنگین تر از توان عدم پذیرش آنها بوده است. برای هر دو کشور امتیازهای گوناگونی در برابر پذیرش این خواسته از سوی آمریکا وجود دارد که برای آنها غیرقابل چشم پوشی است (همان: ۴۳۰-۴۲۹).

با وجود از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های روسی در صنایع نفت و گاز ایران، تحریم‌های شورای امنیت بویژه در بخش انرژی بیشترین سود را برای روسیه در برداشت. روسیه از هیچ تلاشی برای اشغال جایگاه ایران در صادرات انرژی فروگذار نکرده است. تنها در پی انفجار خط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه، روسیه طی چند ساعت این خلاء صادرات گاز به ترکیه را جبران کرد و نشان داد که انزوای بیشتر ایران امکان تسخیر بازارهای ایران را در اختیار روسیه قرار می‌دهد. با این وجود روسیه با تشدید تحریم‌ها علیه ایران مخالف است. تحریم‌های جدید در بخش انرژی برای موقعیت انحصاری روسیه در سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری منافع از بخش انرژی ایران برای روسیه مطلوب نیست.

در مذاکرات ایران با گروه موسوم به ۵+۱ (متشکل از ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) و یا توافقات حاصله ممکن است پیشنهادهاتی در خصوص بررسی صادرات انرژی ایران به اروپا و ایجاد فرصت‌های جدید تجاری و

بین‌المللی پول میزان صادرات مجموع نفت و گاز ایران از ۱۱۸ میلیارد دلار در سال مالی ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به ۶۳ میلیارد دلار در سال مالی ۲۰۱۲-۲۰۱۳ کاهش یافته است. همچنین پیش‌بینی می‌شد این میزان در سال مالی ۲۰۱۴-۲۰۱۳ با یازده درصد کاهش به ۵۶ میلیارد دلار برسد (EIA Report Iran, 2014: 2-3).

تحریم‌های اعمالی شورای امنیت سازمان ملل بر روابط بین ایران و روسیه نیز تأثیر نهاد به نحوی که باعث خروج شرکت‌های روسی مثل شرکت لوک اویل<sup>۱</sup> و گاسپروم<sup>۲</sup> از طرح‌های تولید و استخراج نفت و گاز ایران گردید. شرکت‌های روسی نیز در مواجهه با تحریم‌ها بسیار محتاط عمل کردند. برخی تحلیلگران بحث می‌کنند که منافع اقتصادی در شکل‌دهی سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران اساسی نیستند، بلکه راهنمای اصلی این کشور منافع ملی این کشور است که از طرق مختلف قابل پیگیری است (Omelicheva, 2012: 14)، اما نکته قابل تأمل نقش و حضور ایالات متحده است که نحوه تأمین منافع ملی روسیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عبارتی روسیه از روابط خود با ایران در جهت استفاده از آن برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی آمریکا نسبت به خود استفاده می‌کند (Cordesman, 2011: 16).

استفاده ابزاری از ایران در دیدگاه اوراسیاگرایان جدید نیز مشهود است. از نظر آنان، ایران بعنوان ابزاری قابل استفاده در تأمین اهداف این کشور در مذاکره و چانه‌زنی با ایالات متحده ظرفیت زیادی دارد که باید از آن بهره‌برداری شود.

<sup>1</sup> Luk Oil

<sup>2</sup> Gazprom

انتقال انرژی حوزه خزر مطرح شود. همچنین گفتگوهای مستقیم ایران و آمریکا ممکن است به بهبود و عادی‌سازی روابط بین ایران و غرب بیانجامد که در آن صورت جلوگیری از ائتلاف دو کشور در مقابل منافع روسیه در راستای منافع استراتژیک آمریکا خواهد بود (Myers, Jaffe, 2009: 31).

## زمینه های رقابت

### الف) صادرات گاز

کشورهای روسیه ۲۳/۴ درصد، ایران ۱۶ درصد و قطر ۱۳/۸ درصد کل ذخایر کشف شده گاز طبیعی جهان را دارا هستند (Shaffer, 2011: 45). با این ذخایر ایران جزو معدود کشورهایی است که از نظر حجم و موقعیت توان تهدید حاکمیت مطلق روسیه در بازارهای اروپا و بازارهای اسبق شوروی را دارد. اعتقاد اکثر کارشناسان بر این است که ایران و روسیه رقبا طبیعی عرضه گاز به اروپا هستند و ایران تحت شرایط ژئوپلیتیکی منحصر بفرد خود می‌تواند بعنوان یک هاب (قطب) انرژی دریای خزر عمل نماید. اما روسیه همکاری با ایران را در جهت تقویت موقعیت ژئواستراتژیک خود برآورد می‌کند؛ بویژه اینکه مسکو تأمین کننده اصلی تجهیزات نظامی و فناوری هسته‌ای ایران می‌باشد و یکی از بزرگترین موانع اعمال تحریم‌های بیشتر از سوی شورای امنیت سازمان ملل بوده است. این استراتژی روسیه بطور همزمان چندین هدف را دنبال می‌نماید: اول اینکه فعالیت‌های هسته‌ای مورد حمایت

روسیه از تجارت بین ایران و کشورهای صنعتی مصرف کننده انرژی جلوگیری می‌کند که این امر به نوبه خود از تشکیل زمینه رقابت بین ایران و روسیه در عرضه انرژی می‌کاهد. عبارتی جهت اطمینان از عدم رقابت ایران در حوزه صادرات گاز، روسیه اقدام به ارائه کمک‌های هسته‌ای و تجهیزات نظامی به ایران می‌نماید.

دیگر اینکه سیاست‌های مواجهه جویانه ایالات متحده با ایران باعث افزایش عایدی روسیه از افزایش سهم صادرات نفت و گاز روسیه شده است. ایالات متحده نارضایتی خود را نسبت به موافقتنامه گاز ایران و ترکیه، تأسیس خط لوله انتقال گاز به پاکستان و هند معروف به خط لوله صلح ابراز داشته و مخالف تشکیل اوپک گازی و مشارکت ایران در خط لوله انتقال گاز معرف به ناباکو<sup>۱</sup> بوده است (اطاعت، ۱۳۸۸: ۱۶).

روسیه همیشه از انرژی بعنوان ابزاری سیاسی و استراتژیک استفاده نموده است. این امر در مواجهه با اروپا بیشتر مشهود است و در چندین نوبت اقدام به قطع لوله‌های حامل گاز به اروپا نموده است. اتحادیه اروپا نیز درصدد متنوع‌سازی منابع تأمین انرژی مورد نیاز خود برآمده است و چنانکه توافقی در قبال برنامه هسته‌ای ایجاد شود شاید مذاکرات و اقدامات مربوط به حمل انرژی ایران به اروپا آغاز گردد که ایران در آن دارای مزیت نسبی بالایی است. ایران دارای کوتاهترین مسیرهای حمل نفت کشورهای حاشیه دریای خزر نیز می‌باشد که تاکنون بدلیل مخالفت آمریکا محقق نشده است. رفع محدودیت‌های مذکور می‌تواند ایران

<sup>1</sup>Nabucco



هرچند ایران و روسیه در عرضه گاز طبیعی با یکدیگر رقابت دارند، ولی همکاری دو کشور مهم گازی می‌تواند بطور متقابل تحریم‌های وضع شده بر دو کشور را نیز تحت تأثیر قرار دهد. روسیه بعنوان یک ابر قدرت انرژی با حضور رقبا در بازار گاز اروپا بطور جدی مخالفت می‌کند و در مقابل برای صادرات گاز ایران به شرق حاضر به سرمایه‌گذاری است که نمونه آن پیشنهاد گاسپروم برای سرمایه‌گذاری در خط انتقال گاز طبیعی ایران به پاکستان و هند است (کرمی، پیشین: ۱۸۵). اما از سویی دیگر روابط روسیه با ایران موجب تهدید دیگر کشورهای عرضه کننده عمده انرژی در منطقه خاورمیانه از قبیل قطر و عربستان سعودی خواهد شد. با این وجود روسیه به همراه ایران و دیگر کشورهای مهم عرضه کننده گاز طبیعی دنبال ایجاد یک کارتل بزرگ در قیمت‌گذاری، بازاریابی و عرضه آن هستند. معاون مدیرکل شرکت گاسپروم الکساندر مدودف پیشنهاد ایجاد تروئیکای بزرگ گازی در امر پروژه‌های مشترک تولید و حمل و نقل با حضور ایران، روسیه و قطر را ارائه نموده است که در نهایت می‌تواند به انحصار شرکت‌های بزرگ روسی در این قضیه گردد (Myers, 2009: 9).

#### ب) خطوط لوله انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر

در حوزه دریای خزر، آذربایجان و قزاقستان بیشترین سهم استخراج و تولید نفت را دارند و میزان گاز تولید شده از این منطقه حدود ۳ درصد کل گاز تولید شده جهان است که ترکمنستان بزرگترین تولیدکننده گاز حوزه خزر است (کولایی (ب)، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۲). اما حجم بسیار بالای نفت و گاز حوزه دریای خزر و محصور بودن این کشورها در

را به یک بازیگر مهم در منطقه تبدیل نماید که توان کنترل منابع انرژی جهان را داشته باشد.

اتحادیه اروپا که به دلیل مواضع روسیه در قبال اوکراین، تحریم‌هایی را علیه مسکو وضع کرده، اینک نیاز بیشتری به تأمین گاز از دیگر منابع دارد. ایران با دارا بودن دومین ذخایر بزرگ گاز در دنیا پس از روسیه، جایگزینی بالقوه و مطرح برای روسیه در این زمینه است. اما طرح‌های موجود در این زمینه اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد چرا که ایران نیز مایل به یافتن بازارهای جدید برای فروش گاز خود است. این اهمیت در اظهارات مقامات رسمی ایران نیز بوضوح قابل مشاهده است. در این راستا دکتر روحانی رئیس جمهور ایران، در جریان دیدار با هاینز فیشر، همتای اتریشی خود چنین اظهار داشت: "ایران می‌تواند یک منبع مطمئن انرژی برای اروپا باشد" (خبرگزاری جام نیوز، ۳/۷/۹۳). ایران تلاش دارد خود را در اروپا جایگزینی برای گاز روسیه مطرح کند. دولت ایران در حین مذاکره با اعضای گروه ۵+۱ از یکسو درباره همکاری جهت کاهش تحریم‌ها با روسیه گفت‌وگو می‌کند و از سوی دیگر، برای جایگزینی گاز روسیه مشغول مذاکره با اروپایی‌هاست. به هر حال، روند جاری و تمایل اتحادیه اروپا به یافتن جایگزینی برای منابع گازی روسیه، احتمال ایفای نقشی جدی‌تر از سوی ایران در زمینه تأمین گاز اروپا را مطرح کرده است؛ احتمالی که البته همانگونه که اشاره شد، تحقق آن از یکسو به موفقیت آمیز بودن مذاکرات هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌های ایران و از سوی دیگر، به ایجاد زیرساخت‌های لازم در این زمینه بستگی دارد.

روسیه برای حفظ و تقویت خطوط انتقال انرژی دوران اتحاد شوروی و جلوگیری از حضور قدرت‌های خارجی بویژه ایالات متحده تلاش کرده تا یکی از مهمترین ابزارهای نفوذ خود در منطقه را حفظ کند (کولایی (ج)، ۱۳۹۲: ۲۰۵-۲۰۴). این سیاست روسیه از طریق تعریف بازار انحصاری، محروم کردن برخی رقبای منطقه‌ای نظیر ایران و سرمایه‌گذاری عظیم در پروژه‌های خطوط انتقال منطقه از طریق شرکت‌هایی مانند گاسپروم دنبال می‌گردد. در این زمینه و در رقابت با ایران، روسیه در چندین نوبت مخالفت خود را با حضور ایران اعلام داشته است. اما وابستگی اکثر کشورهای حوزه دریای خزر نیز به خطوط لوله روسیه باعث گردیده است این کشورها بدون رضایت و خواست روسیه نتوانند اقدام به همکاری با کشورهایی مثل ایران در بحث انتقال انرژی نمایند (Smith, 2008: 16).

در سال ۲۰۰۴ نورسلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان پیشنهاد تأسیس خط لوله‌ای از دریای خزر به خلیج فارس از راه ایران را مطرح کرد که هم روسیه و هم آمریکا مخالفت خود را با این پیشنهاد اعلام کردند. روسیه در این اقدام با آمریکا هم‌داستان بود که بیانگر موضع دوگانه روسیه در خصوص نقش ایران در انتقال منابع انرژی منطقه بود. از یکسو از هر طرحی که منجر به ضعیف‌تر شدن جایگاه آمریکا در منطقه شود حمایت می‌کند اما از سوی دیگر به ایران به عنوان رقیب در بازار جهانی انرژی نگاه می‌کند (کولایی (ب)، پیشین: ۱۵۳). اقدام دیگر روسیه در کاهش حجم و قطر پروژه خطوط لوله گاز انتقالی ایران به ارمنستان بود که باعث گردید ارمنستان قادر به صادرات مجدد گاز طبیعی ایران به کشورهای ثالثی نگردد. نکته

خشکی موجب شکل‌گیری رقابت گسترده میان دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و ایجاد شبکه گسترده‌ای از خطوط انتقال در منطقه گردیده است که نقش ایران در آن بسیار کم‌رنگ و بیشتر حاشیه‌ای است. اما آنچه این نقش را برای ایران تعریف نموده است سیاست خارجی دولت‌هایی همچون ایالات متحده و روسیه است که مخالف عبور خطوط لوله از خاک ایران هستند.

در راستای انتقال منابع این حوزه، طرح‌ها و خطوط لوله متعددی ایجاد شده‌اند که در قسمت نفتی بالغ بر ۱۰ خط لوله اصلی ایجاد شده‌اند که سهم ایران از آن ۲ خط لوله آذربایجان-ایران و خط لوله قزاقستان-ترکمنستان-ایران می‌باشد که بدلیل وضع تحریم‌ها، امکان‌سنجی و بهره‌برداری از آن متوقف شده است. در قسمت گازی نیز حدود ۸ خط لوله مشغول به فعالیت هستند که ایران در مسیر جنوبی و فقط در پروژه خط لوله کورپوزه به کردکوی حضور دارد که جهت مصارف داخلی و در اندازه محدود صورت می‌پذیرد (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۱). در حال حاضر و با وجود مسیرهای مختلف خطوط لوله، بیشترین حجم انرژی حوزه دریای خزر از طریق مسیر شمالی و سپس خط لوله باکو-تفلیس-جیهان انتقال می‌یابد. روسیه مسیر شمالی را بعنوان بهترین گزینه کشورهای منطقه و ایران مسیر جنوبی را بهترین مسیر از نظر امنیت و هزینه معرفی می‌کنند. این در حالی است که برای سالیان متمادی سیاست خارجی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در انتقال منابع انرژی حوزه خزر از طریق خطوط انتقال از کنارگذر ایران و روسیه تعریف شده است (Johnston, 2010: 2).



نسی و کشورهای همسایه است. در این زمینه ایران در حال بررسی و انعقاد تأسیس خط لوله انتقال گاز به عراق، هند و پاکستان است که می‌تواند بدون محدودیت حضور رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ایفای نقش بپردازد.

### ج) عرضه سوخت هسته‌ای

روابط ایران و روسیه بنابر ماهیت سیاست خارجی و نوع رفتار آنها در عرصه بین‌الملل هیچگاه در سطح روابط راهبردی تعریف نشده است. همچنین این روابط به لحاظ حجم مبادلات اقتصادی برای هیچ یک از طرفین تعیین کننده و تعهد آور نیست. همانطور که قبلاً اشاره داشتیم روسیه در راستای مفهوم‌سازی جدید هویتی خود در عرصه بین‌الملل بعنوان ابر دولت انرژی یک تجدیدنظر در خصوص منابع طبیعی و توازن قدرت و فضای استراتژیک خود نموده است که پیرو آن منافع استراتژیک و سیاسی خود را از تعقیب اهداف اقتصادی کسب می‌نماید. این دیدگاه اخیراً به همه منابع استراتژیک روسیه از قبیل انرژی و تکنولوژی‌های هسته‌ای تسری یافته است که می‌تواند بعنوان پلی مابین ملاحظات استراتژیک و سیاسی روسیه و عقلانیت اقتصادی روسیه باشد.

روسیه در راستای همین سیاست و با توجه به رقابت استراتژیک خود با ایالات متحده در منطقه و بهره‌گیری از تقابل بین ایران و آمریکا، سعی در بهره‌گیری از موقعیت انحصاری بوجود آمده در ایران بویژه در حوزه‌های نظامی، هسته‌ای و انرژی نمود. در این راستا همکاری‌های ویژه‌ای در جهت توسعه ساختار هسته‌ای و نظامی ایران ارائه نمود

قابل ذکر برای تهران این است که فقط مسکو مقیاس بازار گاز ایران را در این منطقه مشخص خواهد ساخت (Ibid). با این حال در کوتاه مدت طرفین قصد روبرویی مستقیم در زمینه رقابت خطوط انتقال انرژی حوزه دریای خزر را ندارند؛ در این زمینه پایگاه تحلیلی «کلاب والدای»<sup>۱</sup> به تحلیل این حوزه می‌پردازد و اعتقاد دارد واگرایی منافع میان ایران، روسیه و تولیدکنندگان انرژی در آسیای میانه و حوزه خزر به احتمال زیاد اتفاق می‌افتد ولی بسیار دور از ذهن است که این امر به درگیری بیانجامد. ایران در این حوزه خود را در موقعیت رقابت با روسیه، چین و یا اتحادیه اروپا نمی‌بیند (valdaiclub.com, 19/11/2014). در حال حاضر با وجود مخالفت ایالات متحده و حساسیت روسیه نسبت به منطقه خارج نزدیک، ایران با اتخاذ رویکرد عملگرایی در این حوزه سعی بر متنوع‌سازی گزینه های اقدام در این زمینه نموده است که یکی از آن موارد سوآپ انرژی و مبادله نفت و گاز در مرزهای شمالی با کشورهای ساحلی دریای خزر است. بعنوان مثال ایران پیشنهاد معاوضه نفت قزاقستان را ارائه نموده که به دلایل اقتصادی و جغرافیایی مختلف با استقبال دولت قزاقستان روبرو شده است. برای انتقال نفت قزاقستان به این منطقه از راهی به غیر از ایران باید مسافتی طولانی از آبهای سوئز، دریای مدیترانه و قاره آفریقا پیموده شود که هزینه‌های حمل‌ونقل را تا حد زیادی افزایش می‌دهد (کولایی ب)، پیشین: ۱۵۳). اقدام دیگر ایران سرمایه‌گذاری برای یافتن مسیرهای جدید انتقال انرژی به حوزه‌های دارای مزیت

<sup>1</sup>Valdai Club

که این اقدامات در زمینه هسته‌ای باعث کسب درآمد ۸۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلاری برای ساخت نیروگاه بوشهر و استخدام هزاران تکنیسین روسی برای تکمیل این پروژه‌ها شده است. مضاف بر این ایران تمایل خود را برای ساخت ۳ تا ۵ راکتور هسته‌ای و تأسیسات مربوطه اعلام نموده است که حدود ۲/۳ میلیارد دلار برای روسیه سود دربر خواهد داشت. همچنین در دوره اول ریاست جمهوری پوتین ایران به سومین خریدار تسلیحات نظامی و تسلیحات میان برد موشکی و سیستم دفاعی هوایی و ماهواره برای برنامه فضایی تبدیل گشت.

البته روسیه محدوده این همکاری‌ها را بگونه‌ای انحصاری و در ابعاد غیرنظامی و صلح‌آمیز تعریف می‌نماید. این کشور بارها اعلام نموده است که دستیابی ایران به سطح غنی‌سازی نظامی قابل قبول نیست و در مذاکرات با ایران قبل از تحریم‌های سال ۲۰۰۶ در خصوص طرح غنی‌سازی اورانیوم شرکت کرده است. این مذاکرات از چندین جهت برای روسیه مهم بوده است. نخست: قطعنامه موفق شورای امنیت در توقف غنی‌سازی اورانیوم ایران، موقعیت بین‌المللی روسیه را بعنوان یک مذاکره کننده افزایش داد. دوم: با قبول پیشنهاد روسیه مبنی بر غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود، مسکو به نخستین بانک اورانیوم غنی‌شده با غلظت پایین تبدیل خواهد شد. سوم: تأیید نقش موثر روسیه در حوزه توسعه فناوری هسته‌ای. با برخورداری از میزبانی این بانک اورانیوم روسیه قادر خواهد بود از قطع ارائه این سوخت هسته‌ای برای اهداف سیاسی استفاده کند و این حق مسلم را برای خود محفوظ نگه خواهد داشت. بعد از مخالفت ایران در اجرایی کردن این اقدام بود که

روسیه با تصمیم آژانس مبنی بر ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و تحریم‌های بعدی آن موافقت نمود. البته در سال ۲۰۰۹ نیز روسیه در مذاکرات گروه ۵+۱ پیشنهاداتی در خصوص تسهیل بازرسی‌های آژانس و صدور اورانیوم با درصد پائین ایران به روسیه و فرانسه برای غنی‌سازی با درصد بالا برای تأمین سوخت راکتور ایران ارائه داد که برای بار دوم از جانب ایران مورد موافقت قرار نگرفت (3: Omelicheva, 2012).

اما نکته مهم در برنامه هسته‌ای ایران برای روسیه آشکار شدن برنامه تولید سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران است که محاسبات روسیه در بازار انحصاری مطمئن و پرسود تأمین سوخت هسته‌ای را به مخاطره انداخت (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۱۲۸). افشای این برنامه به همراه چند اقدام دیگر در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۰ باعث حمایت روسیه از تحریم‌های چندجانبه علیه ایران گردید. در سال ۲۰۰۸ اوپاما در یک چرخش نسبت به سیاست مواجهه با ایران، پیشنهاد دیپلماسی، مذاکرات چندجانبه و غنی‌سازی بین‌المللی را ارائه نمود. این اقدام نقش رهبری روسیه در این حوزه را از بین برد و روسیه را به گسست روابط ایران و روسیه تهدید کرد. اما در سال ۲۰۱۰ وزیر انرژی اتمی روسیه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به یک توافق در خصوص ایجاد یک بانک سوخت اتمی آژانس در خاک روسیه رسیدند. این توافق یک گام ضروری پوتین در رسیدن به اولویت اقتصادی تقویت بخش انرژی هسته‌ای بود و رضایتمندی از آرزوهای روسیه در حاکم بودن بر بخش‌های معین صنعت انرژی جهانی و رسیدن به یک هدف ژئواستراتژیک در تبدیل «هژمون انرژی» روسیه بود؛



حتی اگر توافقی با ایران در ایجاد بانک اورانیوم غنی‌سازی با درصد پایین حاصل نشود.

### نتیجه‌گیری

وجود ذخایر عظیم انرژی و توان بهره‌گیری از آن در راستای منافع ملی در تعریف قدرت ملی و افزایش ضریب امنیت ملی کشورها تعیین کننده است. این امر در روند تولید و عرضه انرژی طی سالیان اخیر دچار تحول اساسی شده است. بطوری که این ذخایر باعث برتری و نفوذ بیشتر روسیه در محیط بین‌المللی شده است؛ در حالیکه کشوری مثل ایران طی چند سال اخیر با ذخایر هنگفت انرژی نتوانسته بهره‌برداری بهینه از این منبع به عمل آورد. یکی از مهمترین دلایل آن مخالفت قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده و اتحادیه اروپا و دیگری رقابت با کشورهای مهم عرضه کننده انرژی همچون روسیه در سطح منطقه و جهانی است. این دو کشور طی سال‌های تحریم همکاری‌هایی نیز در عرصه سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و همکاری‌های فنی انرژی هسته‌ای داشته‌اند. نمونه اخیر آن امضای تفاهم‌نامه پنج ساله وزیران انرژی روسیه و نفت ایران در ۵ آگوست ۲۰۱۴ است که طی آن علاوه بر همکاری‌های گسترده بخش نفت و گاز، خرید ۳۵/۲ میلیارد دلار سالانه از ایران توسط روسیه است (New Eastern Outlook, report 6 August 2014). اما رقابت اصل مسلم روابط بین دو کشور در عرصه انرژی بوده است. در بخش فعالیت‌های هسته‌ای ایران، روسیه بازاری انحصاری در اختیار دارد و از آمادگی ایران برای تولید و عرضه سوخت هسته‌ای به بازارهای جهانی مخالفت می‌کند. بخش صادرات گاز ایران به اروپا نیز از طریق سیاست‌های تحریم اقتصادی ایالات متحده و مخالفت روسیه عملاً بلوکه

روسیه با حمایت از تحریم‌های چندجانبه نه تنها از مواجهه جدید ایران با ایالات متحده بهره برد بلکه از امتیاز ویژه دولت اوباما در عوض رأی مثبت روسیه در شورای امنیت برخوردار گردید. بعنوان مثال اوباما تحریم‌های سال ۱۹۹۹ بر چندین شرکت صادرکننده تسلیحات روسیه را حذف و از کاربرد تحریم‌های قبلی بر روسیه بواسطه فروش موشک‌های ضد هوایی اس ۳۰۰ به ایران طفره رفت (Omelicheva, 2012: 20-21). پیشنهادات دولت روسیه در طول مذاکرات هسته‌ای در قالب تولید و یا مشارکت در تولید سوخت در خاک کشور خود، به نوعی وابستگی ایران به این کشور در تأمین سوخت هسته‌ای را تضمین و از شکل‌گیری رقیب جدیدی در تولید سوخت هسته‌ای در منطقه خاورمیانه و اوراسیا جلوگیری می‌نمود. تمامی این شواهد مویدی بر وجود رقابت بین ایران مجهز به تأسیسات هسته‌ای بومی و روسیه در تأمین سوخت هسته‌ای در بازارهای جهانی می‌باشد که در نهایت توان به چالش کشیدن بازار انحصاری روسیه و بانک سوخت آژانس را دارد. البته این امر بعد از تحقق عادی‌سازی روابط با غرب و رفع تحریم‌های همه جانبه شورای امنیت و کشورهای غربی محقق خواهد شد که در آن زمینه ایران می‌تواند از تکنولوژی پیشرفته کشورهای غربی بهره‌مند گردد. از طرف دیگر ایالات متحده با یک ایران هسته‌ای بهتر می‌تواند مسؤله‌تر و همانند بازیگری خردمند رفتار نماید و در نهایت روسیه در مقابل ایران تولید کننده سوخت هسته‌ای تنها بماند.

شده است. از اینرو جهت اطمینان از عدم رقابت ایران در حوزه صادرات گاز، روسیه اقدام به ارائه کمک‌های هسته‌ای و تجهیزات نظامی به ایران می‌نماید. از طرف دیگر سیاست‌های مقابله جویانه ایالات متحده با ایران باعث افزایش عایدی روسیه از افزایش سهم صادرات نفت و گاز روسیه شده است.

رقابت بر سر منافع اقتصادی میان ایران و روسیه بیشتر از شباهت در ساختار اقتصادی دو کشور و همچنین نقش برجسته‌ای که به عنوان صادرکنندگان منابع انرژی بازی می‌کنند سرچشمه می‌گیرد. رقابت بر سر مسیرهای حمل و نقل و بازار مربوط به کشورهای آسیای میانه، می‌تواند تنش میان تهران و مسکو را افزایش دهد؛ به ویژه زمانی که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران برداشته شود یا کاهش پیدا کند که این عوامل به بهبود مداوم روابط ایران و ایالات متحده خواهد انجامید. خط لوله گاز از مسیر ایران و ترکیه می‌تواند گاز مورد نیاز اروپا را فراهم سازد. این خط لوله، مذاکرات روسیه و ترکیه درباره مسیر جنوبی از راه ترکیه را به چالش می‌کشد. زیرساخت مورد نیاز برای عرضه گاز به هند و پاکستان و اخیراً عراق تقریباً آماده سفارش است، اما محدودیت‌های سیاسی تا زمان رفع تحریم‌ها علیه ایران همچنان باقی خواهد ماند.

اتحادیه اروپا نیز به آرامی در حال تدوین برنامه‌هایی برای واردات گاز طبیعی از ایران است و این کار در شرایطی انجام می‌گیرد که روابط غرب با ایران رو به بهبودی و در مقابل، روابط آنها با روسیه در حال تیره‌تر شدن باشد. اکنون تنها دو عامل وجود دارد که تحقق آن‌ها می‌تواند سبب عملی شدن طرح‌های اتحادیه اروپا در این زمینه

شود؛ یکی برداشته شدن تحریم‌های موجود علیه ایران و دیگری افزودن خط لوله‌های جدید به ساختار کنونی خط لوله‌های گاز با موافقت ایالات متحده که امری تحقق پذیر است.

### فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اطاعت، جواد و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال دوم، شماره ۳، صص ۱-۲۲.
- ۲- حق شناس، محمدرضا (۱۳۹۰)، «روابط روسیه با آمریکا و رویکرد آن در برابر برنامه صلح آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۴، صص ۱۴۲-۱۰۹.
- ۳- دلپکر، آدریان و گمارت، توماس (۱۳۹۰)، «خلاصه و نقدی بر کتاب امنیت انرژی و سیاست خارجی روسیه»، ترجمه قاسم ترابی، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره شانزدهم، صص ۲۵۲-۲۴۱.
- ۴- صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۲)، «ایران و تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی در آسیای مرکزی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۹۵-۱۱۴.
- ۵- عطایی، فرهاد و شیبانی، اعظم (۱۳۹۰)، «زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۵۱-۱۳۱.
- ۶- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸)، *روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه: عصر نوین همکاری‌ها*، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۷- کولایی (الف)، الهه (۱۳۹۱)، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، چاپ دوم، تهران: نشر سمت.



- ۸- کولایی (ب)، الهه (۱۳۹۲) دریای خزر: چالش‌ها و چشم‌اندازها، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۹- کولایی (ج)، الهه (۱۳۹۲)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، چاپ پنجم، تهران: نشر سمت.
- ۱۰- نخبگان اروپا در انتظار گاز ایران/ ایران، جایگزین روسیه، خبرگزاری جام نیوز، ۳/۷/۱۳۹۳، به نقل از منبع:  
<http://www.jamnews.ir/TextVersionDetail/396506>

## لاتین:

- 1- Cordesman, Anthony H. US and Iranian Strategic Competition: The Sanctions Game, *Center for Strategic and International Studies*, October 2011.
- 2- In Search of Support Points: Iran in Central Asia, 19/11/2014, *valdai discussion club*, sited at: [http://valdaiclub.com/middle\\_east/74120.html](http://valdaiclub.com/middle_east/74120.html)
- 3- Johnston, Peter .F, Arctic Energy Resources and Global Energy Security, *Journal of Military and Strategic Studies*, volume 12, winter 2010.
- 4- Mc Millan, *New Eastern Outlook online magazine*, report 6 August 2014.
- 5- Myers Jaffe, Amy, Russia and the Caspian States in the Global Energy Balance, Working Paper, James A Baker III, *Institute for Public Policy*, May 2009.
- 6- Omelicheva, Mariya Y. (2012), Russia's Foreign Policy toward Iran: A Critical Geopolitics Perspective, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 14(3): 331-344.
- 7- Shaffer, Brenda (2011), *Energy Politic*, first edition, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- 8- Smith, Keith C (October 2008), *Russia and European Energy Security*, first edition, Center for Strategic and International Studies.
- 9- Stokes, Jacob, Future Security Trends in the Middle East, *Center for New American Security*, January 2007.
- 10- *US Energy Information Administration Report*, Country Analysis Brief: Iran, 21 July 2014.
- 11- *US Energy Information Administration Report*, Country Analysis Brief: Russia, 12 March 2014.